

صفحه	عنوان	فهرست دروس
4	چیستی فلسفه	درس اول
7	ریشه و شاخه های فلسفه	درس دوم
9	فلسفه و زندگی	درس سوم
12	آغاز تاریخی فلسفه	درس چهارم
15	زندگی بر اساس اندیشه	درس پنجم
17	امکان شناخت	درس ششم
19	ابزارهای شناخت	درس هفتم
22	نگاهی به تاریخچه معرفت	درس هشتم
29	چیستی انسان (1)	درس نهم
32	چیستی انسان (2)	درس دهم
35	انسان، موجودی اخلاق گرا	درس یازدهم

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

## « درس اول : چستی فلسفه »

1. مسائل و پرسش های انسان در زندگی به طور کلی به چند دسته تقسیم می شود و هر کدام چه ویژگی هایی دارند؟ مثال بزنید

الف. مسائل و پرسش های معمولی و روزانه: این مسائل میان همه مردم مشترک است مانند اینکه امروز چه لباسی بپوشم؟ با چه کسی مشورت کنم؟ و ...

ب. سؤالات خاص و فراتر از موضوعات معمولی: این سوالات گاه و بی گاه خود نمایی می کنند و می توانند ساعاتی طولانی ما را به خود مشغول سازند و به تفکر وادار نمایند. این پرسشها مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی زندگی است و بدون پاسخ درست و قانع کننده برای آن ها، تصمیم گیری های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نمی رسد. برای مثال: هدف انسان در زندگی چیست؟ چرا درد و رنج هست؟ و..

2. تفکر و اندیشه چه نقش و تاثیری در زندگی ما دارد؟

تفکر واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست. با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده پاسخ سوال ها را می یابیم و امور روزانه خود را سامان می دهیم و اصولا بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست.

3. مراحل تفکر و اندیشه در انسان را به ترتیب بنویسید.

روبرو شدن با مسئله / طرح سوال / تفکر در اندوخته ها / رسیدن به پاسخ.

4. تفکر به چند دسته تقسیم می شود؟ نام ببرید. دو دسته: تفکر فلسفی و تفکر غیر فلسفی.

5. تفکر غیر فلسفی را با مثال تعریف کنید.

تا زمانی که انسان با سوالات معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست در مرحله اول تفکر قرار دارد که به آن تفکر غیر فلسفی گفته می شود برای مثال چه غذایی بخورم یا مسافرت کجا بروم.

6. تفکر فلسفی را تعریف کنید و مثال بزنید. عبور کردن از مرحله اول تفکر و پرداختن به مسائل اساسی و بنیادین و با جدیت و به طور پیوسته اندیشیدن درباره این مسائل تفکر فلسفی نامیده می شود.

مثال: آزادی چیست؟ یا سرانجام انسان چه می شود؟ خوشبختی و سعادت چگونه به دست می آید؟

7. مراحل تفکر فلسفی را به ترتیب بنویسید.

روبرو شدن با مسئله فلسفی / طرح پرسشهای فلسفی / رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته ها / رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت.

8. آیا تفکر فلسفی ویژه فیلسوفان و افراد خاص است؟ خیر هر فردی مانند کارگر، فیزیک دان، پزشک یا دانشجو می تواند دارای تفکر فلسفی باشد.

9. چه زمانی انسان در حال تمرین تفکر فلسفی است؟ همین که انسان وارد مسائل و پرسشهای اساسی و بنیادی زندگی شد و این پرسشها را جدی گرفت و به دنبال یافتن پاسخ آن برآمد در حال تمرین تفکر فلسفی است.

- 10. مقصود ملاصدرا از فطرت اول و ثانی چیست؟ از دیدگاه او کدام نوع فطرت عالی تر و برتر است؟**  
ملاصدرا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول و وارد شدن به پرسشهای اساسی و تفکر در آنها را فطرت ثانی می نامد. فطرت ثانی مرحله برتر و عالی تر است.
- 11. چه عاملی موجب ظهور دانش فلسفه شد؟ تلاش های بشر برای رسیدن به پاسخ قانونمند به موضوعات و مسائل اساسی و بنیادی هستی مانند خدا، انسان و جهان و .. موجب ظهور دانش فلسفه شد.**
- 12. وظیفه دانش فلسفه چیست؟**  
فلسفه عهده دار بررسی قانونمند موضوعات و پرسشهای اساسی و بنیادی انسان و پاسخ دادن به آن ها است.
- 13. لفظ فلسفه چه ریشه ای دارد و از کدام کلمه گرفته شده است؟**  
ریشه یونانی دارد و از کلمه فیلسوفیا گرفته شده است.
- 14. واژه فیلسوفیا به چه معناست؟ فیلو به معنی دوستداری و سوفیا به معنی دانایی است بنابراین فیلسوفیا به معنی دوستداری دانایی است.**
- 15. آیا واژه فلسفه در یونان باستان به دانش خاصی اختصاص داشت؟ چه کسی این واژه را عمومی کرد و سر زبان ها انداخت؟**  
خیر فلسفه در آن زمان به دانش خاصی اختصاص نداشت و همه دانش ها را شامل می شد. کسی که واژه فلسفه را سر زبان ها انداخت فیلسوف بزرگ یونان باستان، سقراط بود.
- 16. دانشمندان در زمان سقراط و قبل از او خود را چه می نامیدند؟ سوفیست یعنی دانشمند.**
- 17. سقراط برای خود از کدام لفظ استفاده می کرد؟ فیلسوفوس یا فیلسوف به معنی دوستدار دانش.**
- 18. چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست ( دانشمند) بخوانند؟**  
به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم و هم ردیف نشدن با سوفیست ها
- 19. سه مورد از ویژگی های سوفیست ها را در مورد شغل، هدف و نحوه استدلال آنان بنویسید.**  
شغل آنها بیشتر تعلیم سخنوری و وکالت بود / هدف آنان بیان واقعیت و دفاع از حقیقت نبود بلکه مهمترین هدفشان پیروزی بر رقیب بود / در استدلال های خود بیشتر از مغالطه کمک می گرفتند.
- 20. سوفیست ها چه دیدگاه و نظری در باره حقیقت داشتند؟**  
این گروه برای حقیقت ارزشی قائل نبودند و معتقد بودند هرکس هر چه خودش فهمید همان واقعیت است.
- 21. سیر تاریخی کاربرد و معنی فلسفه را به ترتیب بنویسید؟**  
فلسفه به معنی دوستداری دانایی / فلسفه به معنی مطلق دانش و علم / فلسفه به معنی دانش خاص.
- 22. اصولا هر دانشی از دو جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود؟ آن ها را ذکر کنید. الف. از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می کند ب. از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد.**

## 22. ویژگی های مهم فلسفه را از جهت موضوع و روش بنویسید.

موضوع فلسفه، بنیادی ترین موضوعات است / استفاده از روش عقلی و قیاسی

## 23. فلسفه به چه موضوعات و مباحث می پردازد؟

فلسفه درباره بنیادی ترین و نهادی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی دغدغه های عمیق بشری است فیلسوف در اصل و اساس وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند.

24. فلسفه برای حل مسئله و کشف مجهولات از چه روشی استفاده می کند؟ در مسائل فلسفی نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. فلسفه با استفاده از توانایی عقل و استدلال های عقلی و منطقی و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسائل می پردازد.

25. چند پرسش فلسفی مثال بزنید. آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟ آیا هر چیز دارای علت است؟ آیا زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن ماست؟ انسان و حقیقت انسان چیست؟ آیا انسان دارای اختیار است یا جبر؟

26. فلسفه از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟ توضیح دهید.

از نظر موضوع متفاوت هستند زیرا موضوع فلسفه اساسی ترین و بنیادی ترین موضوعات انسان و جهان است اما موضوع ریاضی اعداد و ارقام است. از جهت روش مشترکند زیرا استفاده از ابزار و حواس به حل آن ها کمک نمی کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله ها دست یافت.

## نکات مهم درس

1. دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سوالات اساسی و بنیادین انسان است.
2. تفکر واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسشها به پاسخ هاست .
3. تفکر به دو نوع فلسفی و غیر فلسفی تقسیم می شود.
4. سقراط ، واژه فلسفه و فلیسوف را عمومی کرد و بر سر زبان ها انداخت.
5. سوفیست که در ابتدا به معنی دانشمند بود بعدها به معنی مغالطه کار تغییر یافت.
6. مغالطه یا سفسطه به استدلالی گفته می شود که در ظاهر درست اما در حقیقت غلط است.
7. فیلسوف که در ابتدا به معنی دوستدار دانش بود به تدریج به معنی دانشمند ارتقا پیدا کرد.
8. دانش فلسفه از جهت روش شبیه علم ریاضی است.
9. رابطه بین تفکر و تفکر فلسفی عموم و خصوص مطلق است.
10. ملا صدرا مبحث فطرت اول و ثانی را مطرح کرد. وگفت فطرت ثانی مرحله برتر برای انسان است.
11. فلسفه در ابتدا شامل همه ی علوم و دانش ها می شد.
12. مهم ترین هدف سوفیست ها پیروزی بر رقیب بود.
13. تفکر فلسفی و فلسفه هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می گیرند.
14. نتیجه نهایی و آخرین مرحله تفکر فلسفی کسب معرفت و شناخت است
15. موضوعات و مسائل فلسفه، پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند.
16. انسان از دوره کودکی ویژگی پرسشگری و کنجکاوی خود را با گفتن کلمه چیست و چرا ، نشان میدهد

پایان درس اول

## « درس دوم : ریشه و شاخه های فلسفه »

1. دو بخش اصلی و ریشه ای فلسفه را نام ببرید. هستی شناسی و معرفت شناسی
2. هستی شناسی را با مثال تعریف کنید. هستی شناسی درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند برای مثال آیا پدیده ها می توانند به اختیار خود موجود شوند؟
3. معرفت شناسی را تعریف کنید و مثال بزنید. معرفت شناسی توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد برای مثال آیا درک واقعیات هستی امکان پذیر است؟
4. مقصود از شاخه های فلسفه چیست؟ آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجود شناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.
5. فلسفه ی مضاف را با مثال تعریف کنید. هر یک از شاخه های فلسفه را فلسفه مضاف می نامند زیرا کلمه فلسفه به آن دانش یا موضوع خاص اضافه شده است مثلاً فلسفه اخلاق، فلسفه فیزیک یا دین ...
6. فیلسوفان در مورد مبحث « اصالت فرد یا جامعه » به چند گروه تقسیم می شوند؟ نام ببرید. سه گروه الف. گروهی پیرو اصالت فرد هستند.  
ب. گروهی پیرو اصالت جامعه هستند.  
ج. گروهی هم معتقد به اصالت فرد و هم اصالت جامعه به صورت توأمان هستند.
7. دیدگاه مکتب اصالت فردی در فلسفه علوم اجتماعی و نتایج این دیدگاه را توضیح دهید.  
آنان معتقدند جامعه از مجموعه ای از افراد تشکیل شده است و منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه ریزی های فرهنگی ، اقتصادی و ... بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند و در سیاست معتقد به لیبرالیسم هستند که تامین کننده آزادی های فردی است.
8. پیروان اصالت جامعه در فلسفه علوم اجتماعی چه دیدگاه و نظری دارند؟ نتایج این دیدگاه چیست؟  
از نظر آنان افراد جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و تصمیم های آنان تابع شرایط اجتماعی است، بنابراین برنامه های فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی و ... آن ها سمت و سویی اجتماعی دارد و منافع جمعی را در اولویت قرار می دهند و در سیاست معتقد به سوسیالیسم هستند که تامین کننده منافع جمعی است.
9. دیدگاه فیلسوفانی که هم به اصالت فرد و هم اصالت جامعه معتقدند را شرح دهید.  
اینان معتقدند که گرچه افراد تحت تاثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تاثیر گذاری و حتی تغییر جامعه را دارند. همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست بلکه با گردهمایی و زندگی طولانی آنان با یکدیگر یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر جامعه تاثیر بگذارد و آن ها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد.

10. نام فلسفه ی مضاف هر یک از گزاره های زیر را بنویسید.

1. انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد. ( فلسفه علوم اجتماعی )
2. زندگی را با امید به آینده بنا کن زیرا جهان طراح دقیقی دارد ( فلسفه انسان شناسی )
3. اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد ( فلسفه سیاست )
4. تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند ( فلسفه تاریخ )
5. برخی از فضائل اخلاقی ذاتاً ارزشمند هستند ( فلسفه اخلاق )
6. انسان دارای دو بعد مادی و مجرد است ( فلسفه انسان شناسی )
7. دینداری یک امر ذاتی و فطری است ( فلسفه دین )
8. آیا اصالت با فرد است یا جامعه؟ ( فلسفه علوم اجتماعی )

11. کدام یک از گزاره های زیر مربوط به هستی شناسی و کدام یک مربوط به معرفت شناسی است؟

1. هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد ( هستی شناسی )
2. درک واقعیات هستی امکان پذیر است ( معرفت شناسی )
3. قانون علیت در سراسر عالم جاری و ساری است ( هستی شناسی )
4. راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد ( معرفت شناسی )
5. موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند ( هستی شناسی )
6. وجود بر دو قسم مادی و مجرد است ( هستی شناسی )

12. مشخص کنید هر یک از موارد زیر در کدام حوزه از فلسفه یا دانش قرار می گیرند؟

الف) زوال پذیری موجودات ( هستی شناسی )

ب) فلسفه دین ( فلسفه مضاف )

ج) علم اقتصاد ( دانش خاص )

د) امکان شناخت ( معرفت شناسی )

گروه مشاوره فراهوش  
 INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99  
 WEB : FARAHOOSH99.IR

### نکات مهم درس

1. دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است.
2. بخش اصلی فلسفه به منزله ریشه و اساس و بخش های فرعی در حکم شاخه ها و ستون های فلسفه هستند.
3. بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دنبال بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آنست.

4. هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دو بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه هستند.
5. هستی‌شناسی در باره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می‌کند.
6. معرفت‌شناسی توانایی انسان را در شناخت هستی مورد مطالعه قرار می‌دهد.
7. هر یک از شاخه‌های فلسفه را فلسفه مضاف می‌نامند.
8. مبانی و زیربنای علوم در فلسفه‌های مضاف قرار دارند، اساس و شالوده نظریات در علوم از فلسفه مضاف آن علم گرفته می‌شود.
9. مکتب اصالت فرد در سیاست معتقد به لیبرالیسم هستند که تامین‌کننده‌ی آزادی‌های فردی است.
10. مکتب اصالت جامعه در سیاست پیرو سوسیالیسم هستند که تامین‌کننده‌ی منافع جمعی است.
11. دیدگاه سومی در فلسفه علوم اجتماعی وجود دارد که همزمان هم به اصالت فرد و هم به اصالت جامعه با هم معتقدند.
12. مالکیت خصوصی، آزادی، سرمایه‌داری و مدارس خصوصی از جمله مفاهیمی هستند که متأثر از مکتب اصالت فرد (لیبرالیسم) می‌باشند.
13. عدالت، مدارس دولتی، تعاونی‌های اقتصادی و بیمه‌های فراگیر برگرفته از مکتب اصالت جامعه (سوسیالیسم) است.

پایان درس دوم

### « درس سوم: فلسفه‌ی زندگی »

1. باورها و اعتقادات هر شخص چه نقشی در زندگی او دارند؟  
انسان با اعتقادات و باورهای زندگی می‌کند و بر اساس آنها تصمیم می‌گیرد و به تصمیم‌هایش عمل می‌کند همچنین باورها فلسفه زندگی انسان را می‌سازند و نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب اهداف او دارند.
2. چه کسانی اهل تفکر فلسفی هستند؟  
برخی انسان‌ها فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر درباره باورهای خود می‌پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می‌اندیشند. آنان می‌خواهند به ریشه باورهای خود برسند و چرایی قبول آن‌ها را مرور کنند. اینان در حقیقت اهل تفکر فلسفی هستند و می‌کوشند بنیان‌های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند.
3. اندیشیدن فیلسوفانه دارای چه ویژگی‌هایی است؟ اندیشیدن فیلسوفانه غور در باورهای مربوط به زندگی است، آموختن ریشه و چرایی باورها و پرداختن به دلایل درستی یا نادرستی آن‌ها و پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست از ویژگی‌های تفکر و اندیشه فلسفی است.
4. مردم با توجه به باورها و اهدافشان در زندگی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟  
دسته اول: برخی از مردم کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می‌اندیشند و به اندازه‌ای که از اطراف خود آموخته‌اند قناعت کرده و بیشتر دنباله‌رو دیگران هستند.

دسته دوم: برخی دیگر در مورد امور مهم انسان و جهان می اندیشند و به دانش درست دست یافته و اهداف درست برای زندگی خود انتخاب می کنند و زندگیشان معنادار می شود.

دسته سوم: گروهی دیگر نگرشی نادرست درباره انسان و جهان دارند و در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگیشان معنای نادرستی به خود گرفته است.

5. مهم ترین فواید تفکر فلسفی را نام ببرید. دوری از مغالطه ها / استقلال در اندیشه/رهایی از عادت غیر منطقی

6. فلسفه چگونه باعث دوری انسان از مغالطه ها می شود؟

یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات صحیح هموار گردد.

7. ویژگی های یک فیلسوف واقعی را بنویسید.

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد / عقیده اش را بر پایه خیالات و تبلیغات و تعصب بنا نمی کند / درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی برد آنها را می پذیرد.

8. تفاوت فیلسوف با دیگر مردم در مسائل بنیادین فلسفه چیست؟ فیلسوف درباره مسائل بنیادین و اساسی مانند خدا، اختیار، خوشبختی و ... به طور جدی و عمیق فکر می کند/ با روش صحیح وارد این مسائل شده و پاسخ می دهد/ او تابع برهان و استدلال است نه تابع افراد و اشخاص.

9. فیلسوفان چگونه باعث رهایی افراد از عادت های غیر منطقی می شوند؟

افراد متفکر و اندیشمند جامعه افکار و عادت های مردم را مورد نقد و ارزیابی قرار می دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود آنها را نمی پذیرند و تلاش می کنند سایر مردم را از باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

10. هدف افلاطون از بیان تمثیل غار چیست؟

او می خواهد در این تمثیل نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.

11. در تمثیل غار افلاطون چه پیام ها و نکاتی وجود دارد؟

الف) برای رسیدن به آزادی حقیقی باید از زندان جهل و غفلت و تعصب رها شد.

ب) رسیدن به حقیقت و شناخت امری تدریجی است.

ج) انسان ها از نور و حقیقت برتر (خداوند) غافل شده و به دنبال تعصبات جاهلانه خود هستند.

د) شناخت حقیقت، اراده و تلاش انسان را می طلبد و معرفت با اجبار و اکراه حاصل نمی شود.

12. شرایط زندانیان در تمثیل غار را توصیف کنید. آنان در غار به بند کشیده شده اند و توانایی حرکت ندارند /

هرگز روشنائی و بیرون از غار را ندیده اند و فقط روبروی خود را می بینند/ روی این مردم به دیوار و پشتشان به

دهانه غار است و تنها سایه اشیاء بیرون را روی دیوار غار در مقابل خود می بینند و آن را واقعی می پندارند.



13. با توجه به تمثیل غار اگر یکی از زندانیان را مجبور کنند که از غار بیرون برود چه اتفاق رخ می دهد؟ روشنایی چشمه‌هایش را خیره می سازد و نمی تواند عین اشیایی را که تاکنون تنها سایه های آنان را می دیده است درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد چشم هایش به دردی طاقت فرسا مبتلا خواهد شد پس از روشنایی گریخته و به سایه ها پناه می برد و عقیده اش به سایه ها استوارتر می شود.

14. برای اینکه مردم عقاید و افکار باطل خود را کنار بگذارند فیلسوفان باید چه صفاتی را دارا باشند؟

اسقامت و پایداری / صبوری / ناامید نشدن / حق طلبی و دلسوزی .

15. هنگامی که زندانی آزاد شده از بند به درون غار بازگردد و به اطرافیان بگوید این سایه ها حقیقی نیستند واکنش زندانیان چیست؟ حرف او را باور نمی کنند و سخنش را خنده دار می دانند و گمان می کنند بینایی اش را از دست داده است.

نکات مهم درس:

1. فلسفه هر کس معنا دهنده به زندگی اوست.
2. اندیشه فیلسوفانه غور ( فرورفتن) در باورهای مربوط به زندگی است.
3. فیلسوفان نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران نشان می دهند.
4. تمثیل غار در کتاب جمهوری افلاطون بیان شده است.
5. در تمثیل غار، زندانیان دربند، سایه های اشیاء را واقعی می پنداشتند.
6. افلاطون ماندن در جهل و نادانی و عدم درک حقیقت را به زندانی دربند تشبیه می کند.
7. بزرگترین زندان از نظر افلاطون زندان جهل و تعصب است.
8. در تمثیل غار زندانیان پس از رهایی از غار در می یابند که عامل شناخت اشیاء نور خورشید است.
9. بسیاری از افکار و عقاید یک جامعه پشتوانه عقلی و منطقی ندارند و با مرور زمان یا انتقال از نسلی به نسل بعد به صورت یک عادت درآمد اند.
10. عموم مردم درباره مسائل بنیادین فلسفی می اندیشند و نظر می دهند.

پایان درس سوم

گروه مسأوره فراهوش  
 INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99  
 WEB : FARAHOOSH99.IR